لوحِ گور

نه در رفتن حرکت بود

نه در ماندن سکوني.

شاخه‌ها را از ريشه جدايي نبود

و بادِ سخن‌چين

با برگ‌ها رازي چنان نگفت

که بشايد.

دوشيزه‌ي عشقِ من مادري بيگانه است

و ستاره‌ي پُرشتاب

در گذرگاهي مأيوس

بر مداري جاودانه مي‌گردد.

 ۱۳۳۸